مدیریت شهری
شماره ۴۹ زمستان ۱۳۹۶
No.49 Winter 2018
۲۸۷-۲۹۶
زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۸/۲۳ زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۳/۱

تحلیل حقوقی نقش مناسب سازی محیط در زندگی معلولان و جانبازان و مسئولیت مدنی ناشی از آن

مصطفی واحد شیرتری- دانشجوی دکتری گروه حقوق، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران
علیرضا حسنی* - دانشیار دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان، دامغان، ایران

چکیده
قلمرو مسئولیت مدنی در دنیای امروز،به حدی گسترده شده است که دیگر باید مطمئن بود هیچ خسارتی نباید جبران نشده باقی بماند. از سویی دیگر در سطح جامعه هستند افرادی که در مواقعی که ازسوی جامعه برای آنان خطرات و خساراتی حاصل میشود، مشتاقانه در انتظار یاری جامعه حقوقی و حقوقدانان در جهت حمایت از آنها می باشند. یکی از مهمترین گروههایی که نیازمند این حمایتهای قانونی هستند افراد معلول و ناتوانی هستند که یا در بدو تولد و به دلایل ژنتیکی و امثالهم به این حال وروز افتاده اند و یا در لحظه تولد کاملا سالم بوده اند و در طول دوران زندگی خویش نیز از هر حیث بدون هر گونه عیب ونقصی زیسته اند اما به ناگهان در اثر یک حادثه و یا سانحه غیر قابل پیش‌بینی که ممکن است برای هر انسانی رخ دهد و یا بر اثر ناملایمات زمانه خویش و ایجاد حوادث تحمیلی مانند جنگ یا ترور و یا حوادث ناشی از وظیفه شغلی مانند آتش نشانان، دچار معلولیت اعم از جسمی و یا ذهنی شده اند که اوج این موارد را باید در کشورمان جانبازان سرافرازی دانست که با جانفشانی های خود از مهمترین سرمایه زندگی خویش یعنی سلامتی جسمی و روحی، مایه گذاشته و به افتخار جانبازی نائل آمده اند. یکی از دلایل مهم وارد شدن خسارات جسمانی به معلولان و جانبازان در اثر اعمال تبعیض و متعاقب آن ایجاد حق برای طرح دعوی مسئولیت مدنی که تا کنون به آن پرداخته نشده است، باید ناشی از عدم مناسب‌سازی محیط زندگی پیرامون معلولان دانست. سال‌هاست که در این سرزمین، اشخاص معلول به ویژه جانبازان در معرض بزرگترین خطرها در اماکن عمومی و خصوصی قرار گرفته‌اند. گاه از طریق جراید و گاه از طرق دیگر مطلع می‌شویم که فردی نابینا و یا معلول جسمی- حرکتی ضمن عبور از خیابان یا تردد در اماکن دیگر، دچار سوانح دلخراشی شده است یا اگر هم به سلامت به منزل رسیده، با دشواری‌های فراوان، مسیر را طی کرده است. بنابراین جا دارد اجتماع نسبت به مسئولیت خویش در قبال محیط های خطرناک حفاظت نشده و مناسب نمودن محیط که برخی از معلولان و جانبازان را به طور جدی تهدید می‌کند آگاه باشد. در این تحقیق، به این پرسش اساسی پرداختیم که معلولان و جانبازان در چنین مواقعی چگونه می‌توانند از ارکان مسئولیت مدنی جهت طرح دعوی استفاده نمایند؟ همچنین در خصوص موضوع مناسب سازی محیط، نگاهی خواهیم انداخت به حقوق تطبیقی تا شاید بهتر نقاط ضعف قوانین داخلی، آشکار گردد.

واژگان کلیدی: مسئولیت مدنی، معلول، جانباز، حقوق معلولان، خسارات، مناسب سازی.

Legal analysis of the role of the environment in the life of the disabled and veterans and civil responsibility

Abstract
The realm of civil responsibility in today›s world is so widespread that it must be certain that no damage should be left. On the other hand, they are at the level of society, where they are willing to seek the aid of the legal community when they are threatened by society. One of the groups, who need these legal supporting, are disabled people who have fallen at birth at birth, for genetic reasons, or at the moment of a completely healthy birth, and have had a disability in our country, as well as a crime or something that has to be seen in our country. One of the most important causes of physical damage to the disabled and veterans is due to the imposition of discrimination and subsequent rights to the civil lawsuit, which has not been discussed so far, due to the lack of adequate environment surrounding the disabled. For years, in this land, persons with disabilities are particularly vulnerable to dangers in public and private places. From time to time we shall know, through the papers, that a blind or disabled person, a person who is blind or disabled, has suffered tragic accidents in the streets or in other places or if he is safely home. Thus, the community is aware of its responsibility for the dangerous environment and the proper protection of the environment that threatens some of the veterans and veterans seriously. In this study, we discussed how veterans and veterans could use the organs of civic responsibility for the lawsuit. As for the appropriateness of the environment, we will look at the comparative rights to the best of the weaknesses of the internal law.

Keywords: Civil Responsibility, Disabled, disability, Rights, Damages.

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۳۳۸۵۸۱۸؛ رایانامه: yahoo.com@alireza۳۳۲

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-09-13]

مقدمه و بیان مساله

بخش اول: مفاهیم مرتبط با معلول و جانباز و حقوق معلولان و جانبازان

این بخش را در دو مبحث، بیان می نماییم.

مبحث اول: تعریف مفهومی معلول و جانباز

این مبحث، شامل دو گفتار است.

گفتار اول: تعریف مفهومی معلول

کلمه معلول اسم مفعول از واژه علت است. به فردی که به هر علت دچار نارسایی جسمی یا ذهنی شده است، معلول می‌گویند (رحمانی، ۱۳۹۰، ص ۲۸). در زبان‌های لاتین مانند فرانسه و انگلیس از واژه «هندیکپ»[1] استفاده می‌شود. اصطلاح هندیکپ، نسبتاً جدید بوده ریشه در زبان انگلیسی دارد. در اصل از عبارت (هند-این-کپ[2]) به معنای «دست در کلاه» ریشه گرفته است (همان منبع، ص ۲۹). این اصطلاح، در قرن هفدهم به نوعی بازی اطلاق می‌شد که شرکت‌کنندگان در آن با یکدیگر به رقابت می‌پرداختند. جایزه فرد برنده را داور تعیین می‌کرد و در کلاهی گذارده می‌شد. بعدها این اصطلاح در اسب‌سواری به کار برده شد و در ادامه، به طور کلی‌تر در ورزش مورد استفاده قرار گرفت. در این معنا، هندیکپ رقابتی است که در آن به تمامی شرکت‌کنندگان، بختی برابر برای برنده شدن از طریق گذاشتن باری سنگین بر دوش قوی‌ترین‌ها یا طی مسیری طولانی‌تر توسط آنان، اعطا می‌شود. در واقع، این افراد قوی‌تر بودند که تغییری را می‌پذیرفتند تا آنکه رقابت، دارای معنای واقعی و جاذبه شود. لازم به توضیح است واژه معلولیت را باید نزدیک به اصطلاح ناتوانی دانست. در واقع، ناتوانی یک اصطلاح نسبی است (مانعی در برابر انسان برای انجام یک فعالیت به شکل طبیعی آن) تا سال ۱۹۸۰، بیشتر از آن که از اصطلاح ناتوانی استفاده شود از واژه ی معلولیت استفاده می شد.عمده ترین دلیل به تعریف ناتوانی برمی گشت که آن را در بی کفایتی و عدم استقلال فرد معلول در انجام فعالیتهای روزمره زندگی ،اشتغال،آموزش و زندگی مستقل می دانستند (کمالی و فریبا، ۱۳۹۲، ص ۹۷). گاهی نیز ناتوانی و معلولیت را بر اساس محدودیت عملکردی با محدودیت فعالیتی تعریف کرد اند. این محدودیتها به صورت کاهش ویژه در فعالیتهای روزمره، نسبت به سطح فعالیت قبلی فرد تعریف می شود (میرخانی، ۱۳۷۸).

این پرسش مطرح است که آیا یک فرد معلول، دارای توانایی بیشتر از دیگران است؟ در پاسخ باید گفت که معنای موردنظر به شدت به دور از مفهوم کنونی این اصطلاح است. اندک اندک هندیکپ، به عنوان افرادی که از موهبتی محرومند، جا افتاد. به عبارت دیگر، به کسی اطلاق می‌شود که دچار نقص یا کاستی باشد. پس در مفهوم کنونی بدان معنا نیست که فرد معلول بهترین است و به خاطر اینکه به سطح سایرین برسد باید از توانایی‌اش کاسته شود. برعکس، فردی است که توانایی‌اش از سطح دیگران پایین‌تر است. معلولیت اصطلاحی است که از آن این معنا به ذهن خطور می‌کند: موقعیت‌های متعددی که علل آنها متفاوت بوده و دارای اثر واحدی هستند. در زبان متداول امروزی به عنوان نقصان، عدم سلامت، عدم توانایی، نابینایی، فلج بودن، ضعف، جنون، قطع عضو، اختلال کلامی، لالی، ناشنوایی و نیمه شنوایی به کار می‌رود.

در اینجا مناسب است تا برخی از اصطلاحات فوق را معنا کنیم. کاستی، به معنای ضعف کارکرد یک عضو بدن است. نقصان، در اصل معنایی نزدیک به کاستی دارد که شامل فقدان یا ناکافی بودن کارکرد یک عضو است. قطع عضو، به معنای از دست دادن (تلف) نسبی یا کامل کارکردهای یک عضو یا بخشی از یک عضو است. عدم توانایی، به وضعیت کسی گفته می‌شود که از به جا آوردن عمل معینی ناتوان باشد. از کارافتادگی، مربوط به وضعیت شخصی است که به طور کمابیش، پایداری در انجام یک زندگی فعال به ویژه در یک زندگی شغلی عادی را در اثر جراحت، تصادف، بیماری یا سن از دست داده باشد. بیماری، به دگرگونی در وضعیت سلامت گفته می‌شود که به واسطه علائم و عوارضی خود را نشان می‌دهد. بیماری همواره شامل نوعی تغییر و تحول در وضعیت فرد است (احمدی، ۱۳۸۵، ص ۳۲).

طبقه‌بندی بین‌المللی واژه «معلولیت»، در سال

1. Handicap
2. Hand-in- cap

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۹ زمستان ۱۳۹۶
No.49 Winter 2018

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-09-13]

۱۹۸۱ انتشار یافت[3]. این طبقه‌بندی تمیز میان نارسایی، ناتوانی و سلب امتیاز را روشن ساخت. تقسیم‌بندی مزبور، در واقع صرفاً از لحاظ پزشکی دارای ارزش بود و از نظر حقوقی نمی‌توان برای آن اعتباری قائل بود.

گفتار دوم: تعریف مفهومی جانباز

جانباز به معنی جان‌بازنده (باز= بن‌مضارع فعل باختن) و اصطلاحاً کسی که با جان خود بازی کند و آن را در معرض خطر اندازد می‌باشد (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ٥٦٧). جان‌بازی را انجام کاری با عشق و توأمان یا همراه با عقل می‌خوانند و این به‌منظور انجام کار بدون تفکر نیست. اینگونه کسی که برای چیزی یا کاری جان خود را فدا می‌کند جان‌باز نام می‌گیرد. علی‌اکبر دهخدا برای بهتر بیان نمودن کلمه جانباز، ابتدا کلمه جان‌باختن را بیان می‌کند و در این‌باره می‌گوید: «جان را از دست دادن، جان را در راه کسی یا چیزی فدا کردن، جان دادن و مردن» (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ٥٦٦).

مبحث دوم: تعریف حقوقی معلول و جانباز

گفتار اول: تعریف حقوقی معلول

برای دستیابی به تعریفی حقوقی از معلولیت، باید قوانینی را که تعریفی از این اصطلاح ارائه کرده‌اند، مورد بررسی قرار دهیم. به همین منظور قوانین کشورهای ایالات متحده، فرانسه و ایران مطالعه خواهد شد و همچنین تعریفی که کنوانسیون اخیرالتصویب سازمان ملل، راجع به حمایت از معلولان به عنوان آخرین متد در این باره ارائه کرده و اعتبار بین‌المللی دارد، از نظر خواهد گذشت. بنابر تعریفی که قانون توانبخشی ۱۹۷۳ امریکا از معلول ارائه کرده، معلول کسی است که آسیبی جسمی یا ذهنی، فعالیت های عمده زندگی وی را محدود کرده باشد. هرچند که این تعریف به عنوان کنار نهادن الگوی پزشکی انگاشته می‌شود، با این حال کسانی هستند که معتقدند به کارگیری واژه «آسیب» توسط قانون، تصویر کسی را نشان می‌دهد که به طور ذاتی دچار نقصان بوده و مفهومی مرتبط با مدل پزشکی ارائه می‌دهد. از این تعریف چنین برداشت می‌شود که با آنکه فرد معلول خطاکار نیست، معلولیت نوعی خطا محسوب می‌شود که جامعه باید آن را اصلاح کند (Alexandra,2003,p537).

به نظر می‌رسد که این عقیده را نباید پذیرفت. در تعریف معلولیت، به کارگیری اصطلاحاتی همچون آسیب، نقصان یا اختلال، احترازناپذیر است. آنچه اهمیت دارد، تعهد و تکلیف در برابر رفع یا کاهش آثار آن است. ذکر این نکته ضروری است که قانون توانبخشی، الگوهای پزشکی و آسیب شناسی اجتماعی را با مدل حقوق شهروندی تلفیق کرده بود. در فرانسه، واژه «معلول» را برای نخستین بار قانون ۲۳ نوامبر ۱۹۵۷، که راجع به طبقه‌بندی کارگران معلول بود، استفاده کرد. ماده اول این قانون، معلول را تعریف نکرده است. اما از نظر آن قانون، کارگر معلول به کسی گفته می‌شود که توانایی کسب یا حفظ حرفه‌اش به دلیل عدم کفایت یا تقلیل توانایی جسمی یا ذهنی، کاهش یافته باشد. در این تعریف به خوبی اندیشه ثمربخش بودن برای اجتماع دیده می‌شود. برای مدت های مدیدی در فرانسه موضوع تعریف فرد دارای معلولیت مطرح نبود. چرا که معلول به کسی گفته می‌شد که از سوی کمیسیون فنی جهت‌گیری و طبقه‌بندی حرفه‌ای یا کمیسیون آموزش استثنایی شناسایی می‌شد. لازم به ذکر است که با تصویب قانون ۱۱ فوریه ۲۰۰۵، کمیسیون حقوق و خودگردانی اشخاص معلول، جایگزین کمیسیون‌های پیش گفته شده است. قانون شماره ۲۰۰۵۱۳۲ مصوب ۱۱ فوریه ۲۰۰۵، تحت عنوان «برای برابری حقوق و فرصت‌ها، مشارکت و شهروندی اشخاص معلول» تعریفی کلی از معلولیت بدین نحو ارائه می‌کند: «تمامی محدودیت‌ها در فعالیت یا کلیه تنگناهای مربوط به مشارکت در زندگی اجتماعی که به واسطه‌ی محیط، به کسی به خاطر دگرگونی اساسی، دائمی یا قطعی یک یا چند کارکرد فیزیکی، حسی، ذهنی، فکری یا روانی که ممکن است به صورت چند معلولیتی یا اختلال در سلامت که منجر به ناتوانی فرد می‌شود، تحمیل می‌گردد». به وضوح دیده می‌شود که مدل‌های پزشکی

3. L.a traduction francaise de cctte classification date de 1988: OMS. Classification Internationale des Handicaps: deficiencies. Incapacites. Desavantages. 2e ed. Paris. CTNERHINSERM: 1993.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-09-13]

و آسیب‌شناسی اجتماعی رها شده و الگوی حقوق شهروندی لحاظ گردیده است.در تعدادی از قوانین راجع به حقوق معلولان در ایران، فرد معلول تعریف شده است. در ماده نخست لایحه حمایت از اشتغال معلولان از مجموعه قوانین تأمین اجتماعی، معلول چنین تعریف شده است: «معلول از نظر این قانون کسی است که سلامت جسمانی یا روانی یا توأم او ناقص بوده و یا آسیب دیده و توانایی او در انجام کارهای روزمره کاهش یافته باشد» (علوی و کابلی، ۱۳۸۲، ص ۱۱۱).

بر اساس دستورالعمل اجرایی آیین‌نامه تأسیس و اداره مراکز خصوصی معلولان و سالمندان الحاقی شماره یک، «معلول به کسی اطلاق می‌شود که بر اثر ضایعه جسمی، ذهنی یا توأم (ناشی از حادثه، بیماری و جنگ) اختلال قابل توجهی به طور مستمر در سلامت و کارایی عمومی بدن و یا در شؤون اجتماعی و حرفه‌ای او به وجود آمده، به طوری که این اختلال از استقلال فردی وی بکاهد[٤].» سرانجام تبصره ماده‌ی یک قانون جامع حمایت از حقوق معلولان در تعریف معلول چنین گفته است: «معلول در این قانون به افرادی اطلاق می‌گردد که به تشخیص کمیسیون پزشکی سازمان بهزیستی بر اثر ضایعه جسمی، ذهنی، روانی یا توأم، اختلال مستمر و قابل توجهی در سلامت و کارایی عمومی وی ایجاد گردد. به طوری که موجب کاهش استقلال فرد در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی شود[٥].»

در این تعریف، به تاثیر معلولیت در کاهش نقش و فعالیت اجتماعی فرد اشاره شده است. اما به تأثیر موانع موجود در جامعه هیچ توجهی نشده است. حق آن بود که در تعریف ارائه شده، این نکته نیز لحاظ می‌شد تا به معلولیت به عنوان یک دشواری فردی که منطبق با مدل‌های پزشکی و آسیب شناسی اجتماعی است، نگریسته نشود. کنوانسیون راجع به حقوق معلولان، مصوب ۱۳ دسامبر ۲۰۰٦ در ماده اول خود ضمن بیان هدف کنوانسیون، معلول را این گونه تعریف کرده است: «معلولان شامل کسانی است که دارای آسیب‌های طولانی مدت جسمی، ذهنی، فکری و حسی هستند که در برخورد با موانع گوناگون ممکن است مشارکت کامل و مؤثر آنان در شرایط برابر با دیگران در جامعه به تأخیر افتد».

گفتار دوم: تعریف حقوقی جانباز

بر طبق ماده ۱ آیین نامه اجرایی درصد جانبازی مصوب۱۳۸۹ هیات دولت،جانباز عبارت است از: « ایثارگرانی که در جریان تکوین و شکوفایی انقلاب اسلامی و حفظ و حراست از دستاوردهای ارزشمند آن از تعرض و تجاوز عوامل داخلی و خارجی و یا هر گونه حوادث مستقیم ناشی از آنها به اختلالات و نقصانهای عارضی جسمی و روانی دچار شده یا بشوند و در نتیجه در روند زندگی فردی و اجتماعی با محدودیت هایی مواجه شوند که شامل افراد زیر خواهند بود: ۱- کارکنان نیروهای مسلح (سپاه، ارتش و نیروی انتظامی) اعم از پایور پیمانی، بسیجی، وظیفه، خرید خدمت، اعضای هیئت علمی و قراردادی. ۲- نیروهایی که توسط وزارت جهاد سازندگی به مناطق جنگی اعزام شده‌اند؛ و ۳- سایر افرادی که مشمول بندهای (۱) و (۲) نمی‌باشند.»

بخش دوم: مفهوم مناسب سازی محیط زندگی معلول و جانباز

طی چند دهه اخیر، جنبش حقوق معلولان، موجب اقداماتی در جهت رفع موانع گوناگون در مسیر تردد و مشارکت اشخاص معلول شده است. در کشورهای مختلف قوانینی به منظور حمایت از حقوق معلولان به تصویب رسیده است که یکی از اهداف مهم آن قوانین، مناسب سازی متعارف و قابلیت دست‌یابی محیط برای اشخاص معلول بوده است. اوج این حرکت در عرصه جهانی، تصویب کنوانسیون بین‌المللی «حقوق افراد دارای معلولیت» در تاریخ ۱۳ دسامبر ۲۰۰٦ بود. در این قوانین و مقررات، دولت‌ها، بخش‌های عمومی و گاه اشخاص خصوصی، متعهد به مناسب‌سازی محیط اعم از شهرها، روستاها، ساختمان‌ها، تجهیزات، وسایط حمل و نقل عمومی، محیط‌های شغلی و... جهت دستیابی سهل و آسان معلولان شده‌اند. [٦]

٤. دستورالعمل اجرایی آیین‌نامه تأسیس و اداره مراکز خصوصی معلولان و سالمندان، الحاق شماره ۱ بند ۱ تبصره ۱، به نقل از مجموعه قوانین و مقررات بهزیستی، چاپ اول، تابستان ۷٦.

۵. قانون جامع حمایت از معلولان، نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۷۲٦٦.

٦. گزارش وضعیت مناسب‌سازی محیط شهری، تهیه وتنظیم: دبیرخانه ستاد هماهنگی و پیگیری مناسب سازی محیط فیزیکی افراد معلول، بهار

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-09-13]

به طور کلی باید گفت این قوانین، یک هدف بنیادین را که همانا مبارزه علیه تبعیض ناروا نسبت به اشخاص معلول است، تعقیب می‌کنند. در ماده دو کنوانسیون مزبور، تبعیض بر پایه‌ی معلولیت، اینگونه تعریف شده است: «هرگونه تمایز، استثنا و یا محدودیت بر پایه معلولیت که هدف و تأثیر آن لطمه زدن یا نفی شناسایی، بهره‌مندی یا اعمال کلیه حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین بر مبنای تساوی با دیگران در عرصه مدنی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و یا هر زمینه دیگر می‌باشد. این مورد همچنین دربرگیرنده تمامی اشکال تبعیض از جمله نفی متناسب‌سازی منطقی نیز می‌گردد» (رسولی، ۱۳۹۱، ص ٤٤).

در خصوص بحث مناسب سازی محیط که محور اصلی این پژوهش را تشکیل می دهد، به طور کلی باید گفت که محیط اجتماع باید به گونه‌ای طراحی شود که معلولان و جانبازان بتوانند به سادگی و همانند اشخاص سالم به فعالیت‌های مختلف بپرازند. حقیقت آن است که می‌توان با بهینه‌سازی محیط شهرها، اماکن عمومی و خصوصی و نیز وسایل حمل‌ونقل عمومی، فرد دچار معلولیت را تبدیل به انسانی سالم کرد. کنار نهادن تبعیض اعمالی علیه معلولان، مستلزم به کارگیری نوعی تبعیض مثبت به نفع آنان است. اگر پارک اتومبیل‌ها در کنار خیابان‌ها و مراکز پررفت و آمد، موجب ایجاد دشواری و مشقت برای معلولانی که از خودروی شخصی استفاده می‌کنند می‌شود، باید با ایجاد محل‌های پارک مخصوص در مناسب‌ترین و نزدیک‌ترین موقعیت به مراکز مهم، برای معلولان و منع سایر رانندگان از بهره‌گیری از این محل‌های پارک، موجب دسترسی بهتر افراد معلول به این اماکن شد.

از مصادیق دیگر تبعیضات مثبت در جهت برقراری تعادل و برابری میان معلولان و اشخاص عادی جامعه، می‌توان به تعبیه مسیرهای معین برای عبور و مرور اشخاص در صندلی چرخدار و دادن اجازه به نابینایان در به همراه داشتن سگ راهنمای خویش هنگام ورود به اماکن عمومی اشاره نمود و این در حالی است که افراد عادی از چنین امکاناتی برخوردار نیستند» (علوی و کابلی، ۱۳۸۲، ص ٥٦).

شایسته است در این جا اصطلاح «مناسب‌سازی» تعریف گردد. کنوانسیون بین‌المللی، راجع به اشخاص معلول (مصوب دسامبر ۲۰۰٦) مناسب سازی را در ماده دو خود اینگونه تعریف می‌کند: «سازگاری و تغییرات مقتضی و ضروری که تکلیف و باری بی‌مورد و نامتناسب را تحمیل ننموده و حسب نیازمندی‌ها در مورد خاص، بهره‌مندی و اعمال کلیه حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین را برای افراد دارای معلولیت در شرایط برابر با سایرین تضمین می‌نماید.» در بند الف ماده یک آیین‌نامه اجرایی ماده دو قانون جامع حمایت از حقوق معلولان ایران، مناسب‌سازی اینگونه تعریف شده است: «اصلاح محیط و تدارک وسایل حمل و نقل، به طوری که افراد معلول قادر باشند که آزادانه و بدون خطر در محیط پیرامون خود اعم از اماکن عمومی، معابر، محیط شهری و بین‌شهری و ساختمان‌های عمومی حرکت کنند و از تسهیلات محیطی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی با حفظ استقلال فردی لازم بهره‌مند شوند.»

بخش سوم: مسئولیت مدنی ناشی از ایراد خسارات علیه معلول و جانباز در اثر نقص محیط در حقوق ایران

همانطور که پیشتر ذکر گردید یکی از موارد مهمی که فرد معلول و جانباز، زیان دیده واقع می‌شود، مربوط به عدم مناسب‌سازی ساختمان‌ها، خیابان‌ها و اماکن عمومی یا خصوصی است. با توجه به تصویب قانون جامع حمایت از حقوق معلولان در تاریخ ۸۳/۲/۱٦ که دولت و سایر اشخاص را ملزم به مناسب‌سازی محیط جامعه جهت معلولان ساخته است، به بررسی تخطی از این تکلیف اخلاقی و قانونی اشخاص در حقوق ایران می‌پردازیم. بنابراین، این بخش را در ۲ مبحث شرح میدهیم. در مبحث اول به ارکان مسئولیت مدنی در انطباق با مسئولیت مدنی ناشی از عدم مناسب سازی محیط و نقص آن می پردازیم و در دومین مبحث،خسارات قابل مطالبه بر اثر عدم مناسب سازی محیط توسط معلول و جانباز زیان دیده بررسی می گردد.

۱۳۸٦، ص ٦٥

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-09-13]

مبحث اول: ارکان تحقق مسئولیت مدنی ناشی از عدم مناسب سازی محیط

چنـان کـه می‌دانیـم، ارکان مسـؤولیت عبارتنـد از: وجـود ضـرر، ارتـکاب فعل زیانبـار و رابطه سـببیت بیـن فعـل شـخص و ضـرری کـه وارد شـده اسـت.

گفتار اول: ضرر

زیـان بـه زیـان مـادی، زیـان معنـوی و ضررهـای جمعی تقسـیم می‌شـود (کاتوزیـان، ۱۳۸۲، ص۲٤٤). ضـرر مادی گاه ممکن اسـت موجب آسـیب رسـیدن بـه امـوال شـخص؛ گردد بـه نحـوی که مال یـا تلف شـده یـا دچـار عیـب و نقصـان گـردد. حـال تصـور کنیـم فـردی معلول در اثـر عدم مناسب‌سـازی محیط پیرامـون، کنترل خود را از دسـت داده و شـیء متعلق بـه او بـه زمیـن بیفتـد و دچـار عیـب و نقـص گردد. ایـن مـورد، فرضی آکادمیـک و بعید نیسـت.

شـخص نابینایـی را می‌تـوان تصـور نمـود کـه به علـت عـدم گـذاردن نـرده در مقابـل سـطح مرتفع، به زمیـن خـورده و بـه یکـی از اموالـش بـه طـور مثال رایانـه قابل حملش آسـیب برسـد. جدا از ایـن موارد، ممکـن اسـت آسـیبی بدنـی بـه شـخص معلـول وارد آیـد. اشـخاص دچـار معلولیت‌هـای حسـی بـه ویـژه نابینایـان، بیشـتر از هـر گـروه دیگـری در معـرض خسـارات مـادی از این دسـت هسـتند. به طـور مثال، در اثـر گودبـرداری جهت ایجاد بنا و عـدم تعبیه موانع هشـداردهنده، نابینایـی بـه درون آن سـقوط می‌کند. یا ممکـن اسـت شـرکت گاز، آب، بـرق و یـا مخابـرات بـرای انجـام عملیات لوله‌گـذاری یا کابل‌کشـی، زمین را حفـر کنـد و بـدون توجـه به اینکـه در ایـن جامعه، اشـخاص دچـار آسـیب بینایـی تـردد می‌کننـد، هیـچ علامـت هشـداردهنده‌ای قـرار ندهـد. این‌هـا همـان مثال‌هـای ملمـوس و عینـی جامعـه ایـران اسـت کـه بـرای نگارنـده امـری ناآشـنا و غریب نیسـت.

در خصـوص اینکه آیا عدم مناسب‌سـازی منطقی می‌توانـد موجب تحقق خسـارت معنوی گـردد، باید گفـت کـه بی‌تردید چنیـن امری منجر بـه بروز ترس، نگرانـی، فشـارهای عصبـی و حتی رنجـش عاطفی و احساسـی می‌شـود. شـاید پذیـرش این مسـأله، برای کسـی که ایـن موقعیت را تجربه نکرده، چندان آسـان نباشـد. امـا فـرد معلولـی کـه می‌دانـد بـا پـای نهادن بـه کوچـه و خیابـان به اسـتقبال خطـرات متعددی از قبیـل حرکـت سیل‌آسـای اتومبیل‌هایـی کـه رانندگان آنهـا هیـچ توجهـی بـه وضعیـت خـاص او ندارنـد، وجـود حفره‌هـا و حتـی چاه‌هـا ی حفاظـت نشـده، عـدم وجـود سـطوح شـیب‌دار کـه او را وا مـی‌دارد کـه حتـی اگر پـای رفتن نیز داشـته باشـد به سـختی پله‌هـای متعـددی را طـی کنـد، همـه این‌هـا موجب نگرانـی و فشـارهای فراوانـی بـر فرد معلـول خواهد شـد. از سـوی دیگـر در جاهایـی کـه حرکـت فـرد معلـول بـا کمـک رهگـذران میسـر مـی گـردد، مانند عبـور فـرد نابینـا از خیابانـی عریض، رفتـن فردی که در صندلی چرخدار اسـت به طبقه دوم سـاختمانی از طریـق پله‌هـا و.... کـه گاه همـراه با الفـاظ و حرکاتی اسـت کـه موجـب تحقیـر او شـده و آسـیب شـدید عاطفـی را بـه او وارد می‌کنـد، وی متحمل خسـارات معنـوی میشـود. به هـر روی، نسـبت به اینکـه در اثر عـدم مناسب‌سـازی، فرد دچـار معلولیـت در معرض فشـارهای روانـی و عاطفـی قـرار مـی گیـرد، نبایـد تردیـد کـرد. امـا اینکـه طبـق قوانیـن مـا خسـارات معنـوی قابـل جبـران اسـت یـا نـه، حکایتـی اسـت دیگـر کـه از ورود بـه آن خـودداری می‌شـود.

در خصـوص شـرایط ضـرر قابـل مطالبـه بایـد گفت،هرچنـد کـه برخی از نویسـندگان شـرایط ضرر را در ٤ مـورد خلاصـه کرده‌انـد، اما بایـد آنها را در ۷ مـورد ذیـل خلاصه نمود: مسـلم بودن ضرر، مسـتقیم بـودن زیان، مشـروعیت ضرر، مشـخص بـودن ضرر، زیـان بایـد جبـران نشـده باشـد، ضـرر بایـد قابـل پیش‌بینـی باشـد و ضـرر بایـد ناشـی از اقـدام زیـان دیده نباشـد (همـان منبـع، ص ۲۷۸).

در اینجـا قصـد ارزیابـی تمامـی ایـن شـرایط را نداشـته و بنابر آن اسـت تنها مواردی کـه می‌تواند در خصوص خسـارت وارده به اشـخاص معلـول در اثر عـدم مناسب‌سـازی مـورد بحـث قـرار گیـرد، مطرح شـود. بـه نظر می‌رسـد دو شـرط مسـلم بـودن ضرر و آنکـه ضـرر نباید ناشـی از اقـدام زیان دیده باشـد، جـای مطالعـه و ارزیابی دقیـق دارد.

راجـع بـه مسـلم بـودن زیـان، شایسـته اسـت که نکاتـی را مـورد تذکـر قـرار داد. مـاده ۷۲۸ از قانـون آ. د. م سـابق در مـورد خسـارت انجـام نـدادن تعهد، مقـرر می‌داشـت کـه مدعی خسـارت بایـد ثابت کند کـه ضـرر به او وارد شـده اسـت. نویسـندگان حقوق چنیـن اسـتنباط می‌کردنـد کـه ورود ضـرر بایـد در

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-09-13]

گذشته مسلم باشد. اما ماده ۵۱۵ از ق.آ.د.م مصوب ۷۹/۱/۲۱ بیان می‌دارد: «خواهان حق دارد ضمن تقدیم دادخواست یا در اثنای دادرسی و یا به طور مستقل جبران خسارات ناشی از دادرسی یا تأخیر انجام تعهد و یا عدم انجام آن را که به علت تقصیر خوانده نسبت به ادای حق یا امتناع از آن به وی وارد شده یا خواهد شد...» در این ماده به خوبی دیده می‌شود که خسارات قابل وقوع در آینده نیز مورد پذیرش قرار گرفته است. به طور کلی تردیدی که در خصوص مسلم بودن زیان وجود دارد مربوط به دو مورد است: یکی زیان آینده و دیگری از دست دادن شانس و موقعیت عملی (قاسم زاده، ۱۳۸٤، ص ۱۲۲).

در مورد نخست تنها به این نکته اکتفا می‌شود که علی‌الاصول زیان دیده نمی‌تواند زیان‌های احتمالی در آینده را مطالبه کند. با وجود این باید اذعان داشت که اگر خساراتی در آینده، و نتیجه و اثر زیان وارده در گذشته باشد و دادرس آن را احراز نماید، نباید از صدور حکم به جبران چنین زیان‌هایی امتناع ورزند. مانند هزینه‌های مربوط به مراقبت و نگهداری از بیماری یا معلولیت تحمیلی که در آینده بر دوش زیان دیده سنگینی می‌کند را باید زیان‌های فعلی و مسلم قلمداد نمود. مضافاً با نگاهی به حکم ماده پیش گفته، خسارات احتمالی و آینده نیز قابل مطالبه است.

آنچه در این خصوص می‌تواند جای بحث بیشتر داشته باشد، مربوط است به از دست دادن شانس و امکان موقعیت عملی. پرسش آن است که اگر در اثر عدم مناسب‌سازی، فرد جانباز یا معلولی موقعیت عملی را از دست دهد، آیا می‌تواند برای جبران چنین زیانی به شخص مقصر در امر مناسب‌سازی مراجعه نماید؟ با ذکر مثال هایی، سعی می‌کنیم مسأله را روشن‌تر سازیم. به علت عدم مناسب‌سازی ساختمان محل برگزاری کنکور و عدم پیش‌بینی مسؤولان امر، فرد در صندلی چرخدار نمی‌تواند در کنکور سراسری شرکت کند، آزمون ورودی دانشگاه‌ها برای اشخاص نابینا، ناشنوا یا کسانی که از ناحیه دست دچار معلولیت می‌باشند متناسب‌سازی نمی‌شود. به علت عدم مناسب‌سازی ساختمان ادارات و کارگاه‌ها، افراد معلول جسمی- حرکتی، عملاً بخت دستیابی به مشاغل گوناگون را از دست می‌دهند، یا به طور مشخص افراد در صندلی چرخدار در ایران، امروزه نمی‌توانند به علت عدم مناسب‌سازی بناهای دادگستری به حرفه وکالت بپردازند. از این دست مثال‌ها فراوان است و بسیاری از جانبازان این مرز و بوم، عملاً فرصت‌های تحصیلی، شغلی و حتی تفریح و ورزش را از دست می‌دهند و این در حالی است که می‌توان با متناسب‌سازی ساختمان‌ها و محیط کار و غیره، امکان پرداختن به فعالیت‌های گوناگون را برای این قشر فراهم آورد. چه تفاوتی میان بازداشتن بازرگانی از حضور در مجلس مزایده یا جلوگیری از شرکت اسبی در مسابقات و محروم ماندن جانبازی از دسترسی به حرفه‌ای خاص وجود دارد؟ تنها تفاوتی را که می توان تصور نمود آن است که برای موارد نخست، عامل ورود زیان با دست زدن به فعلی مثبت و ملموس موجب محرومیت می‌شود. اما مورد دوم که غالباً از مصادیق تبعیض غیرمستقیم است، شخص حقیقی و حقوقی عامل ورود خسارت با بی‌تفاوتی یا ترک فعلی، عملاً مانع دستیابی فرد معلول به فرصت و موقعیتی می‌شود.

در برخی از کشورها صرف از دست دادن موقعیت و فرصتی به عنوان ضرر قابل جبران انگاشته شده است. هر چند که از نظر حقوقدانان، پذیرش این مورد در حقوق ایران به عنوان یک قاعده، دشوار تلقی شده است. برای رفع تبعیض غیرمستقیم علیه اشخاص معلول و رسیدن آنان به فرصت‌ها و حقوق برابر با سایرین، قابل جبران بودن چنین زیان‌هایی را در مواردی که احتمال اصابت امکان به هدف، زیاد می‌رود باید پذیرفت.

گفتار دوم: فعل زیانبار

عدم مناسب‌سازی، غالباً به صورت ترک فعل نمودار می‌گردد. باید اذعان نمود که عدم متناسب‌سازی یکی از مهم‌ترین مصادیق تبعیض غیرمستقیم است که به صورت ترک فعل ظهور خارجی پیدا می‌کند. شاید در برخی موارد چنین به نظر برسد که آسیب وارده، در اثر فعل ایجابی تحقق یافته است. به طور مثال، شخصی برای ایجاد ساختمانی گودبرداری می‌کند و یا سازمان آب یا برق برای لوله‌کشی یا کابل‌کشی زمین را حفر می‌کند و در اثر آن فرد نابینایی دچار آسیب می‌شود. این

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-09-13]

پندار را نباید صحیح انگاشت. چراکه حفر زمین برای مقاصد گوناگون نمی‌توانسته عملی زیانبار قلمداد شود. در اینجا عدم گذاشتن حفاظ‌های هشداردهنده یعنی عدم متناسب‌سازی، موجب ایراد خسارت شده است. اگر شهرداری پل عابر پیاده را تعبیه کند اما در قسمتی از آن نرده‌های محافظ قرار ندهد و فرد دچار آسیب بینایی یا کودکی سقوط کند، عدم گذاشتن نرده‌های محافظ را باید به عنوان فعل زیانبار تلقی نمود.

معمولاً این نوع خسارات در اثر فعل غیرمستقیم وارد کننده زیان به قربانی وارد می‌شود و اصولاً زمینه تحقق زیان فراهم می‌گردد و بنابر اصطلاح قانون مدنی ایران، در اثر تسبیب به وقوع می‌پیوندد.در حقوق ایران جهت تحقق مسؤولیت ناشی از تسبیب، تقصیر عامل باید اثبات گردد. بنابر تعریف موجود در ماده ۹۵۳ از ق.م «تقصیر اعم از تعدی یا تفریط» بوده و تعدی شامل فعل ایجابی و تفریط شامل فعل سلبی است. اگر بخواهیم معیار شناسایی فرد خطاکار را، نگاه عرف آن چنان که مواد ۹۵۱ و ۹۵۲ از قانون مدنی در نظر دارد، بیانگاریم، از آنجایی که ذهنیت مردم ایران با امر متناسب‌سازی چندان آشنایی ندارد و معمولاً اکثریت، بدون مناسب‌سازی دست به ایجاد محیط‌های خطرناک برای افراد معلول می‌زنند، بدون آنکه در اندیشه رفع این خطر از طریق متناسب‌سازی باشند، شاید نتوان عامل ورود خسارت را خطاکار انگاشت. اما چنان که می‌دانیم در شناسایی فرد خطاکار، معیار، انسان متعارف است و انسان متعارف دست به کاری نمی‌زند که برای دیگران فراخور شرایط آنان خطرآفرین باشد. پذیرش این مطلب، برخلاف عقل سلیم است که گودال عمیقی، در معبر عموم حفر گردد ولی برای فرد نابینا خطرآفرین نباشد.

ممکن است با این استدلال مواجه گردیم که علی‌الاصول دولت و سازمان‌های دولتی، اگر اقدام به حفر زمین در معابر عمومی می‌کنند، از باب اعمال حاکمیت بوده یا آنکه اگر شهروندان در ملک خویش زمین را حفر کنند و فرد جانباز در اثر سقوط در آن دچار آسیب گردد، عمل حفر به عدوان نبوده و او معاف از جبران خسارت خواهد بود. چنان که پیش از این نیز گفته شد در اینجا سخن از کندن چاه یا ایجاد محیط خطرناک به میان نیست. آنچه مدنظر است، عدم مناسب‌سازی است؛ یعنی عدم گذاردن موانع هشدار دهنده. برای مقصر دانستن فرد مساحه‌کار در مناسب سازی، وجود قوانین موضوعه در این خصوص کفایت می‌کند. (ماده دو از قانون جامع حمایت از حقوق معلولان و آیین‌نامه اجرایی آن). مطابق تعریف مندرج در قانون مجازات اسلامی، تقصیر اعم است از بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی، عدم مهارت، عدم رعایت نظامات دولتی. پس هرگاه اشخاص پیش‌بینی شده در ماده ۲ قانون جامع حمایت از معلولان از تکلیف قانونی مبنی بر متناسب‌سازی محیط سرباز زنند، مسؤول خواهند بود. این تکلیفی است معین که در مقررات پیش‌بینی شده است. اما با توجه به سیاست قانون‌گذار مبنی بر ادغام اجتماعی اشخاص معلول، اعضای جامعه مکلفند حضور این افراد را باور داشته باشند و در فعالیت‌های گوناگون خویش از اقداماتی که آنان را در معرض خطر قرار می‌دهد، خودداری ورزند. با توجه به آنچه گفته شد می‌توان تصدیق نمود که تکلیف احتراز از ایجاد محیط‌های خطرناک برای معلولان، تعهدی است عام.

گفتار سوم: رابطه سببیت

در خصوص رابطه سببیت نیز ذکر این نکته کافی است که وجود رابطه علیت میان فعل زیانبار و زیان حاصل، به گونه‌ای است که فعل موردنظر، باید بدون لحاظ امر متناسب سازی تحقق یافته باشد. به طور مثال، ساختمانی ایجاد شده باشد اما آسانسوری که صندلی چرخدار بتواند وارد آن گردد، برای طبقات فوقانی تعبیه نشده باشد. حفر و گودبرداری صورت گرفته بدون تعبیه حفاظ باشد و نمونه‌هایی از این قبیل.

مبحث دوم: خسارات قابل مطالبه

یکی از نکات مهمی که در خصوص این موضوع مطرح می‌باشد آن است که مراد از خسارات چیست؟ و به عبارت دیگر آیا خسارات مورد نظر دارای عناوین مشخص و محدود هستند؟ به موجب قانون مسؤولیت مدنی که قبل از وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۳۹ به تصویب رسید، مطابق مواد ٦و ۵، ۲، ۱ قانون مذکور در مواقع بروز صدمات بدنی خسارت‌های وارده به شرح زیر که متوجه مجنی علیه شده باشد، قابل مطالبه بوده است:

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-09-13]

الف) هزینه معالجه
ب) خسارت از کارافتادگی
ج) افزایش مخارج زندگی
د) خسارت معنوی

و اگـر صدمه بدنی منجر به مرگ شـخص آسـیب دیـده می‌شـد «کلیـه هزینه‌هـا مخصوصـاً هزینـه کفن و دفـن» بـر عهـده وارد کنندهٔ صدمه بـود و اگر مرگ فـوری نبـود «هزینـه معالجـه و زیان ناشـی از سـلب قـدرت کار کـردن در مـدت ناخوشـی نیز جـزء زیان محسـوب می‌شـد» (حیدری، ۱۳۸۵، ص ۱۱۳).

سـئوالی کـه مطـرح مـی گـردد ایـن اسـت که،آیا خسـارات معنوی،قابـل مطالبـه توسـط جانبـاز مـی باشـد؟ بـه عنـوان مثـال زمانـی کـه جانبـازی در اثـر سـهل انـگاری یـک اداره دولتـی در عـدم مناسـب سـازی راه پله‌هـا و قابـل دسـترس نبـودن آن بـرای افـراد معلول،دچـار حادثه شـده و علاوه برخسـارات جسـمانی، دچـار وحشـت دائمـی از راه پلـه شـده و یـا دچـار سـرخوردگی می گـردد و به ایـن ترتیب،به موضـوع جبـران خسـارات معنـوی فـرد معلـول بـر میخوریـم آیـا ایـن خسـارات را مـی تـوان دریافـت نمـود؟ در واقـع مقصـود از خسـارت معنـوی، آسـیب‌های روحـی و روانـی، درد و یـا رنج یـا زیان بـه ابـروی اشـخاص اسـت کـه بـه طـور محسـوس ومـادی در بیـرون قابـل احسـاس و درک نمی‌باشـد. همانگونـه کـه در برخـی منابـع فقهـی امده اسـت در صـدق عنـوان ضـرر و خسـارت بـر اسـیب معنـوی جـای تردیـد نمی‌باشـد. چنانکـه بـر اهتمـام شـارع مقـدس نسـبت بـه جلوگیـری از زیانهـای معنـوی جـای شـبهه نیسـت. قلـب مومن عـرش الهی اسـت (لا یسـعنی ارضـی ولاسـمانی ولکـن یسـعنی قلـب عبـدی المومـن). شـان صـدور روایـت در حدیـث لاضـرر، خسـارت معنوی بود که از سـوی سـمره بن جنـدب بر انصـاری و خانـواده او وارد میامد (اکبری، ۱۳۸٤، ص ۸۷). در حرمـت اضـرار معنـوی جـای شـک نمی‌باشـد ولی در تقویـم و اندازه گیـری بهای آن بـه صورتـی که امـروزه در حقوق غـرب مطرح و مـورد عمـل اسـت جـای تردیـد و تامل وجـود دارد زیـرا خسـارات معنـوی قابـل انـدازه گیـری بـه پول نمی‌باشـد و از طـرف دیگـر دامنـه خسـارت دیدگان در خسـارات معنـوی نامحـدود اسـت. بنابرایـن بهتر اسـت تـا راهـکاری جهـت جبـران ایـن خسـارات عـلاوه بـر دیـه پرداختی کـه در اثر صدمات جسـمی بـه افـراد معلـول پرداخـت مـی شـود در نظـر گرفته شـود تـا حریـم روحـی افـراد معلـول و حیثیـت انان حفـظ شـود. بـه اعتقـاد نگارنـده اساسـاً خسـارات معنـوی نـه قابـل اندازه‌گیـری هسـتند و نـه آنکـه به ماننـد خسـارات مـادی بـا پرداخـت وجوهـی قابـل تـدارک اسـت، بلکه حاکـم و قاضـی چنانچه منشـاء ورود خسـارات معنـوی را جانـی بدانـد و عامـل آنرا بـی مبالاتـی وی تشـخیص دهـد، می‌توانـد جهـت تشـفی خاطر مجنی‌علیه و اولیـای وی از راهکارهایی ماننـد پرداخت خسـارات به فرد اسـیب دیده توسـط جانـی و در صـورت عـدم توانایی پرداخـت جانی از طریـق صنـدوق مخصوصـی جهـت کمـک دولت به افـراد معلـول، اسـتفاده کند، زیـرا جایز نیسـت که در مـورد ایـن اشـخاص، تنهـا بـه پرداخـت دیه بسـنده نمـود. مثلاً درد جسـمی کـه به زیاندیده وارد شـده یا رنـج روحـی یـا روانی، همـه و همه میتواند تـا زمانی کـه فـرد معلـول زنـده اسـت بـا او همراه باشـند.

لازم بـه ذکـر اسـت قانـون مسـئولیت مدنـی از خسـارت معنـوی تعریفـی ارائـه نـداده اسـت امـا به طـور کلـی زیان‌هـای معنـوی همـان صدمه بـه منافع عاطفی و غیر مالی اسـت. مانند احسـاس درد جسمی و رنج‌هـای روحـی، از بیـن رفتـن آبـرو و حیثیـت و آزادی (کاتوزیـان، ۱۳۸۲، ص ١٤٤). البتـه در مـورد امـکان مطالبه ضـرر و زیـان معنوی میـان حقوقدانان اختـلاف وجـود دارد مخالفـان ایـن نـوع خسـارت مطالبـه آن را از لحـاظ نظـری، فنـی و اخلاقی مقدور ندانسـته‌اند. از لحـاظ نظـری چـون خسـارت معنوی قابـل تقویـم به پـول نیسـت و تادیـه پـول نمی‌تواند موجـب جبـران ایـن نـوع خسـارت شـود و از نظـر فنـی امـکان تعییـن میـزان چنیـن خسـارتی وجـود نـدارد چـون قابـل ارزیابـی بـه پـول نمی‌باشـد و از لحـاظ اخلاقـی نیـز ناگـوار و زننـده اسـت کـه متالم از خسـارت معنـوی اقـدام بـه طـرح دعـوی نموده و درد و رنـج و ناراحتـی خـود را بـا پـول مطالبـه کنـد (حسـینی نـژاد، ۱۳۸٦، ص ۷۱).

امـا بـه تدریـج ایـن طـرز تفکـر تضعیـف شـد و حقوقدانـان بـه ایـن نکتـه توجـه کردند کـه پرداخت ضـرر و زیـان معنـوی هـر چنـد بـه طـور کامـل اعـاده حیثیـت و اعتبـار نمی‌کنـد لیکـن تـا انـدازه‌ای ناراحتی‌هـای مجنـی علیـه را کاهـش می‌دهـد و

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-09-13]

موجـب کاهش ایـن نوع از ضررها می‌شـود. مضافاً با اینکـه امـروزه ارزش و اهمیت زیـان معنوی گاهی به مراتـب بیشـتر از ضررهای مادی اسـت لـذا نمی‌توان ضـرر و زیـان معنـوی را نادیـده گرفـت و اعتبـار و حیثیـت افـراد را بلا دفاع گذاشـت (آخوندی، ۱۳۷۹، ص ۳۱۵).

بـا توجـه بـه مـوارد گفتـه شـده در فـوق بـه نظر مـی رسـد،جانباز حـق دارد خسـارات وارده بـه خود کـه جنبـه معنـوی دارنـد را مطالبـه نماید.

هـم چنیـن ۳ نـوع خسـارات وارده کـه در قانـون مسـئولیت مدنـی بـه آن اشـاره شـد یعنـی هزینـه معالجـه، خسـارت از کارافتادگـی، افزایـش مخـارج زندگـی، در زمـره خسـارات مـادی قـرار میگیرنـد و همـه آنهـا منشـا واحـدی دارند. مثـلا هزینـه معالجه شـامل هزینـه بیمارسـتان، خرید دارو و...اسـت که بر دوش فـرد معلـول یـا خانـواده او تحمیـل می شـود.

نتیجه گیری و جمعبندی

در نـگاه اولیـه این‌گونـه بـه نظـر می‌رسـد کـه در جایـی کـه جانبـاز یـا معلولـی زیـان دیـده واقـع می‌شـود، و یـا فـرد سـالمی معلـول میگـردد تحـت قواعـد عمومـی قـرار می‌گیـرد و بحـث چندانـی در ایـن خصـوص قابـل طـرح نیسـت. امـا ایـن پنـدار درسـت نیسـت. امـروزه بسـیاری از معلـولان قربانی تبعیضـات نـاروا می‌شـوند. طـی دهه‌هـای اخیـر گام‌هـای جـدی جهـت رفـع انـواع تبعیـض علیـه معلـولان برداشـته شـده اسـت، در حـوزه مسـئولیت مدنـی، هـم حقوقـدان و هـم قاضـی باید در اندیشـه جبـران زیان‌هـای قربانیـان تبعیض ناروا باشـند. یکی از مهم‌تریـن حقـوق بنیادیـن بشـر حـق تـردد و آمـد و شـد اسـت. افـراد جانبـاز نیز حـق زندگـی در این جهـان را دارنـد. بـرای دسـتیابی بـه ایـن مهـم، انجام مناسب‌سـازی منطقـی حائـز اهمیـت فـراوان اسـت. کسـانی کـه بـا زیـر پـا نهـادن قوانینـی کـه مناسـب سـازی منطقـی را ضـروری می‌داننـد، امنیـت تردد و حضـور معلـولان در جامعـه را به مخاطـره می‌افکنند، عـلاوه بـر ضمانـت اجراهـای اداری یـا کیفـری، بایـد در صـورت ایـراد آسـیب، آن را جبـران کننـد و خسـاراتی کـه بـه جانبـاز و معلـول زیاندیـده تعلق مـی گیـرد هـم شـامل خسـارات مـادی اسـت و هم خسـارات معنـوی.

منابع و ماخذ

۱. احمدی، منصور (۱۳۸۵) رساله کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، نگاهی به حقوق افراد سالخورده، دانشگاه آزاد واحد تفت.
۲. اکبری، موسی الرضا (۱۳۸٤) مسئولیت جبران خسارت معنوی در ایران، مجله دادرسی، شماره ۵۲.
۳. آخوندی، محمود (۱۳۷۹) آئین دادرسی کیفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ پنجم.
٤. حسینی نژاد، حسینقلی (۱۳۸٦) مسئولیت مدنی، انتشارات مجد، چاپ چهارم.
۵. حیدری، عباسعلی (۱۳۸۵) قابل مطالبه بودن خسارات مازاد بر دیه، مجله فقه و مبانی حقوق دانشگاه ازاد بابل، شماره ۵.
٦. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷) لغت نامه دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
۷. رحمانی، مهدی (۱۳۹۰) حقوق کودکان معلول، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق، گرایش خصوصی، پردیس بین الملل.
۸. رسولی، حامد (۱۳۹۱) کنوانسیون حقوق معلولان و تطبیق با قوانین داخلی، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق، گرایش خصوصی، دانشگاه شیراز.
۹. علوی، سیدامین ا...و کابلی، رشید (۱۳۸۲) اشتغال معلولان، مرکز آموزش مدیریت دولتی، چاپ اول.
۱۰. قاسم زاده، سیدمرتضی (۱۳۸٤) مسئولیت مدنی شخص غیرممیز، مجله دیدگاههای حقوقی، شماره اول.
۱۱. کمالی، محمد، ایران، فریبا (۱۳۸۲) مروری بر حقوق کودکان دارای ناتوانی و معلولیت، مجله رفاه اجتماعی، شماره ۷.
۱۲. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۲) الزام های خارج از قرارداد، ضمان قهری، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم.
۱۳. میرخانی، مجید (۱۳۷۸) مبانی توانبخشی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی
14. 14. Alexandra G. White. Paralyzing Disord: Workplace Safcty. Paternalism. And The Accommodation Of Biological Variance In The Americans With Disabilities Act. Louisiana Law Review. Winter. 2003

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-09-13]